

امکان سنجی اعمال سازکارهای قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی برای تضمین عدم افشای اطلاعات متهمان

حسین خواجه علی اشتری (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،

h.ashtari@modares.ac.ir

محمدجعفر حبیب‌زاده

استاد، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،

habibzam@modares.ac.ir

چکیده

در نظام عدالت کیفری، تضمین محرمانگی اطلاعات متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی، به‌عنوان یکی از الزامات دادرسی عادلانه، در راستای تضمین اصل برائت و صیانت از حق بر حریم خصوصی جایگاه مهمی دارد. با این وجود، در عمل، دستگاه قضایی ایران در برخی موارد نتوانسته است به‌طور کامل و مؤثر از افشای غیرمجاز اطلاعات جلوگیری کند و این امر چالش‌هایی جدی برای حقوق متهمان و اعتبار دستگاه قضایی ایجاد کرده است. این پژوهش با هدف ارائه مفهومی تحت عنوان «سازکار قضایی» و تمایز آن از مفاهیمی نظیر سیاست جنایی قضایی و تفسیر قضایی، در پی شناسایی و تبیین سازکارهای مؤثر در تضمین محرمانگی اطلاعات متهمان است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های آن از طریق مصاحبه‌های عمیق با مقامات قضایی و تحلیل منابع حقوقی گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خلأ قانونی، فشار رسانه‌ها و نشر سریع اطلاعات در حوزه‌های قضایی کوچک با تراکم روابط بالا میان افراد آن حوزه، بستر افشای غیرمجاز اطلاعات را فراهم می‌کند. در پاسخ به این چالش‌ها، مقامات قضایی از تدابیری همچون محدودسازی دسترسی به پرونده، تعیین زمان و مکان انجام تحقیقات، صدور دستورهای خاص به ضابطان در خصوص نحوه انتقال و ثبت اطلاعات متهم، و کنترل دقیق گردش پرونده بهره می‌گیرند؛ با این حال این سازکارها فاقد رویه‌ای یکسان بوده و اعمال آن‌ها به شرایط و تشخیص قضات وابسته است. درنهایت، پیشنهاد می‌شود چارچوب‌های قانونی در کنار اعمال سازکارهای قضایی منسجم به همراه نظارت مؤثر، مورد توجه قرار گیرد تا بتواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین محرمانگی اطلاعات متهمان ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: سازکارهای قضایی، محرمانگی تحقیقات، عدم افشای اطلاعات، دادرسی عادلانه، حریم خصوصی

بر اساس اصل حاکمیت قانون^۱، هر انسانی حق دارد در قلمرو حاکمیت دولت قانونی قرار گیرد؛ در رژیم قانونی، روابط حقوقی دولت و شهروندان را قانون تنظیم می‌کند و رعایت کرامت ذاتی انسان مبنای اداره جامعه و تعیین نحوه ارتباط بین حکومت و شهروندان است و قوه قضائیه به‌عنوان مجریان قانون باید با رعایت انصاف، عدالت و بی‌طرفی خاطیان را تعقیب، محاکمه و مجازات کند. (حبیب‌زاده و تیربندی، ۱۴۰۴، ۱۷۹) افشاگری‌های زود هنگام در پرونده‌های کیفری به‌ویژه در مرحله حساس تحقیقات مقدماتی به‌عنوان سنگ زیرین دادرسی (آخوندی، ۱۳۹۴، ص ۷۲)، می‌تواند پیامدهایی جدی همچون مخدوش کردن بی‌طرفی مرجع رسیدگی، ایجاد پیش‌داوری اجتماعی نسبت به متهم و صدمات غیرقابل جبران به حیثیت و زندگی خصوصی اشخاص را به دنبال داشته باشد. به‌همین جهت، نظام‌های حقوقی بر پایه اصل حاکمیت قانون به‌عنوان رژیم های قانونی (حبیب زاده، ۱۳۷۷، ۳۱)، برای صیانت از «اصل برائت^۲» به‌عنوان یکی از اصول «محاکمه منصفانه^۳»، دامنه‌ای از قواعد محرمانگی و چارچوب‌های کنترلی را در مراحل پیش‌دادرسی پیش‌بینی کرده‌اند.^۴ در حقوق ایران اصل بر محرمانگی مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی است و انتشار مشخصات هویتی متهم در این مقطع ممنوع شده است، ضمن آن‌که تحقیق از شاکی، متهم و نیز سوال از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی دادگاه، غیرعلنی اعلام گردیده است.^۵ تنقیح این قواعد نشان می‌دهد که «عدم افشای اطلاعات متهمان» نه صرفاً یک توصیه اخلاقی، بلکه بخشی از قواعد اصلی تضمین دادرسی منصفانه و به تبع آن حاکمیت قانون است که باید با تدابیر قضایی در عمل اجرا شود.

تجربه عملی و ادبیات حقوقی در برخی از کشورها نشان می‌دهد که تحقق محرمانگی تنها از طریق اتکا به قانون محقق نمی‌شود. دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده «Bédat v. Switzerland» محکومیت کیفری خبرنگاری را که اطلاعات محرمانه تحقیقاتی را منتشر کرده بود، ناقض آزادی بیان ندانست و تاکید کرد که صیانت از حقوق متهم، محرمانگی تحقیقات و حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضایی می‌تواند توجیه‌گر اعمال محدودیت بر آزادی اطلاع رسانی باشد، مشروط بر آن‌که این مداخله واجد مبانی قانونی، هدف مشروع و ضرورت در یک جامعه دموکراتیک باشد (Bédat v. Switzerland, 2016: 5). منطق این حکم را نمی‌توان بر تقدم خودکار محرمانگی بر شفافیت برداشت کرد؛ زیرا این تقدم را با معیارهای ضرورت، هدف مشروع و واجد مبانی قانونی، می‌پذیرد، اما باید دقت داشت که این حکم بر لزوم مداخله سنجیده مقام قضایی به منظور کنترل مخاطرات افشای اطلاعات در مرحله تحقیقات مقدماتی صحت می‌گذارد. در نظام حقوقی انگلستان، به موجب «قانون اهانت به دادگاه^۶» مصوب ۱۹۸۱: «هرگونه انتشار که خطر جدی ایجاد اختلال شدید یا پیش‌داوری در روند پرونده در حال رسیدگی را به وجود آورد، اهانت به دادگاه محسوب می‌شود». (Contempt of Court Act 1981: s.2(2)) کارکرد این قاعده مشابه هدف محرمانگی اطلاعات در نظام حقوقی ایران برای حفاظت از بی‌طرفی دادرسی و رعایت حقوق متهم در برابر موج رسانه‌ای و قضاوت عمومی است.^۷

¹ Rule of law

² Principle of innocence

³ Fair trial

^۴ «ر.ک» به: مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

^۵ «ر.ک» به: ماده ۹۱_۱۹۲_۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری

⁶ Contempt of Court Act

^۷ برای مطالعه بیشتر در باره این قانون و اهداف آن می‌توان به ر.ک [Contempt of Court Act 1981](#) مراجعه کنید

در نظام حقوقی ایران، علاوه بر مقررات شکلی آیین دادرسی کیفری، در قوانین ماهوی، از جمله در ماده ۶۴۸ ق.م.ا با جرم‌انگاری افشای اسرار حرفه‌ای، پشتوانه بازدارنده‌ای برای محرمانگی فراهم شده است. اما با وجود ظرفیت‌های شکلی و ماهوی در قانون ایران، مسئله اصلی در این مقاله «امکان‌سنجی اعمال سازکارهای قضایی»^۱ برای تحقق عملی عدم افشا در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره حمایت از حریم خصوصی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی انجام شده است. از جمله می‌توان به پژوهش‌های «حریم خصوصی در تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»^۲، «جایگاه حریم خصوصی متهمین در تحقیقات مقدماتی طبق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»^۳، «حمایت کیفری از حریم خصوصی در تحقیقات مقدماتی با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری»^۴ و «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال حمایت از حریم خصوصی افراد»^۵ اشاره کرد. این مطالعات، هر یک از منظر حقوق داخلی، سیاست جنایی تقنینی یا حقوق تطبیقی، به تبیین مبانی و الزامات حمایت از حریم خصوصی پرداخته‌اند و نقش مهمی در توسعه ادبیات این حوزه داشته‌اند؛ با این حال، تمرکز آنها به طور عمده بر تحلیل قوانین و مقررات است و استفاده از تجربه عملی مقامات قضایی برای شناسایی چالش‌های اجرایی و ظرفیت‌های موجود در این حوزه، در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، نوآوری پژوهش حاضر صرفاً در استفاده از مصاحبه‌های عمیق با مقامات قضایی نیست، بلکه در صورت‌بندی و تبیین مفهوم «سازکار قضایی» به‌عنوان مفهومی مستقل از سیاست جنایی قضایی و تفسیر قضایی و سپس تحلیل کارکرد آن با اتکا به مبانی حقوقی و تجربه عملی مقامات قضایی است؛ رویکردی که می‌تواند تصویری دقیق‌تر از ظرفیت‌های نظام عدالت کیفری در تضمین محرمانگی اطلاعات متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی ارائه کند. منظور از سازکار قضایی در اینجا مجموعه تدابیر اتخاذ شده توسط دادرسان است که مستقیماً برای جلوگیری از افشا یا کم کردن احتمال فاش شدن اطلاعات به کار می‌رود؛ از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) تعیین ضوابط جلب مأموران نیروی انتظامی و قواعد رعایت محرمانگی برای دفتر مقام قضایی (۲) تحدید دسترسی به اوراق پرونده به‌صورت هدفمند و متناسب در بازه زمانی معین (۳) اقدامات انتظامی-انضباطی در قبال نقض محرمانگی توسط اشخاص مرتبط با فرایند رسیدگی (۴) تعیین زمان و مکان تحقیقات. تنظیم مرزهای این سازکارها باید به‌ نحوی باشد که از یک‌سو، هدف‌های مشروع محرمانگی تحقیقات را برآورده کند و از سوی دیگر، با حقوق دفاعی، دسترسی به اطلاعات و شفافیت تعارض ماهوی پیدا نکند. با توجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه سازکارهای قضایی می‌توانند در مرحله تحقیقات مقدماتی برای تضمین عدم افشای اطلاعات متهمان به کار گرفته شوند و چگونه این امر از دل مواد قانونی توجیه می‌شود و همچنین به تحقق عملی قانون منجر می‌شود. به منظور پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش، این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این راستا، افزون بر تحلیل قوانین و منابع حقوقی مرتبط، به منظور شناسایی چالش‌های عملی و تبیین سازکارهای مورد استفاده در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط مقامات قضایی، از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با دوازده نفر از مقامات قضایی دارای سابقه و تجربه در امر تحقیقات مقدماتی بهره گرفته شده است. داده‌های حاصل از این مصاحبه‌ها پس از تحلیل، در کنار مبانی نظری، مبنای استخراج و تبیین سازکارهای قضایی مورد بحث در این پژوهش قرار گرفته است. به‌علاوه، مقاله در چهار گام سامان یافته است: نخست به مبانی نظری و چارچوب مفهومی پرداخته و ضمن تبیین جایگاه اصل محرمانگی

^۱ Judicial mechanizem

^۲ عباس زاده، رضا، حریم خصوصی در تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، پایان‌نامه ارشد، بهمن ۱۳۹۶

^۳ متین راسخ، مجید، جایگاه حریم خصوصی متهمین در تحقیقات مقدماتی طبق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پایان‌نامه ارشد، تابستان ۱۳۹۷

^۴ حسینی اولی، شیرین السادات، حمایت کیفری از حریم خصوصی در تحقیقات مقدماتی با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه ارشد، شهریور ۱۳۹۴

^۵ عبدی، قاسم، سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص حمایت از حریم خصوصی افراد، پایان‌نامه ارشد، زمستان ۱۳۹۱

اطلاعات، مفهوم «سازکار قضایی» و تمایز آن با مفاهیمی همچون «تفسیر قضایی» و «سیاست جنایی» روشن می‌گردد. در بخش دوم با مطرح کردن محرمانگی در عمل، چالش‌های عملی و سازکارهای قضایی مورد استفاده برای رفع این چالشها مطرح شده است؛ نهایتاً در بخش سوم، نتیجه‌گیری و پیشنهادات برای ارتقای تضمین محرمانگی توسط این سازکارها ارائه گردیده است.

۱- چارچوب مفهومی

۱-۲- محرمانگی اطلاعات

مبنای نخست برای محرمانگی اطلاعات متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، اصل برائت است. به موجب این اصل که در اسناد بین‌المللی، از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است: «هر کس متهم به ارتکاب جرم کیفری باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود تا زمانی که مجرمیت او طبق قانون در دادگاه صالح اثبات گردد». (ICCPR, 1966: Art. 14(2)). افشای اطلاعات متهم در مراحل ابتدایی می‌تواند این اصل را نقض و در عمل منجر به پیش‌داوری افکار عمومی و حتی دادرسان شود؛ به‌علاوه لزوم رعایت کرامت انسانی و حق حیثیت اجتماعی از دیگر مبانی محرمانگی اطلاعات محسوب می‌شود که در کنوانسیون‌های بین‌المللی به آن اشاره شده است.^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعدد از جمله اصل ۲۲ و ۳۷ بر حرمت حیثیت و آبروی افراد به تأسی از تعالیم اسلامی^۲ تأکید کرده است؛^۳ ملاحظاتی که در سطح کلان‌تر، در چارچوب حمایت از حریم خصوصی افراد، به‌ویژه در حریم خصوصی اطلاعات، قابل تحلیل است. حریم خصوصی اطلاعات به‌عنوان یکی از شاخه‌های حریم خصوصی و از جمله مهم‌ترین دارایی‌های افراد در دنیای مدرن شناخته می‌شود؛ هرچند که اصطلاح حریم خصوصی به‌عنوان مفهومی سیال در حال تغییر است (Solove, 2008, 1132)، اما حریم خصوصی اطلاعات که ناظر بر حمایت از داده‌ها و اطلاعات شخصی افراد در برابر افشای غیرمجاز، دسترسی بدون مجوز، پردازش‌های خارج از هدف اولیه و بهره‌برداری‌های ثانویه است، در ادبیات نوین حقوقی در قالب نظام «حمایت از داده‌های شخصی» صورت‌بندی می‌شود. اصول حمایت از داده‌های شخصی در اسناد حقوقی معاصر، از جمله مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها،^۴ به‌صورت صریح مورد شناسایی قرار گرفته و پردازش داده‌های شخصی را منوط به رعایت معیارهایی همچون شفافیت، تعیین هدف مشخص، حداقل‌سازی داده‌ها و تضمین امنیت اطلاعات کرده است. بر این اساس، هرگونه جمع‌آوری، ثبت، نگهداری، استفاده یا افشای اطلاعات مرتبط با هویت، وضعیت اجتماعی، سوابق کیفری و سایر داده‌های شخصی افراد، باید در چهارچوب این اصول و تحت نظارت مراجع صلاحیت‌دار انجام گیرد والا می‌تواند به‌عنوان نقض حریم خصوصی اطلاعاتی محسوب و آثار حقوقی و مسئولیت‌آور، از جمله خدشه به حیثیت، آبرو و امنیت اجتماعی اشخاص، به‌ویژه در مورد متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی، به دنبال داشته باشد.

۲-۲- سازکارهای قضایی

^۱ ر.ک: ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تعرض به حیثیت و آبروی اشخاص را ممنوع می‌داند.

^۲ «الْمُؤْمِنُ أَكْبَرُ حُرْمَةٍ مِنَ الْكَفَّةِ» (امام صادق علیه‌السلام، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۵۷۸)

^۳ برای مطالعه تفاوت‌های اصل برائت از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی ر.ک: مطالعه تطبیقی اصل برائت از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل در تحقیقات مقدماتی نوشته مسعود جناب‌زاده و ابراهیم ملاکه مجله تخصصی علوم انسانی اسلامی.

^۴ General Data Protection Regulation

اگرچه در متون حقوقی تعریف روشنی برای «ساز کار قضایی» ارائه نشده، اما نظریه پردازانی چون مارک تاشنت^۱ به نحو غیرمستقیم به این مفهوم پرداخته‌اند. ایشان اشاره می‌کند: «هر یک از مقررات خاص قانون اساسی، قلمرو مشخص خود را به طور کامل حمایت می‌کند. با این حال، برای اینکه این حمایت به صورت واقعی تحقق یابد، لازم است حیطه‌ای فراتر از متن صریح این مقررات نیز مورد حمایت قرار گیرد. به همین دلیل، میان حوزه‌های مختلف حقوقی «همپوشانی» ایجاد می‌شود و این همپوشانی همان چیزی است که ساختار حریم خصوصی را شکل می‌دهد» (Mark Tushnet: 1991, 76-77). به علاوه از نظر هربرت هارت قاضی هنگامی از آزادی عمل بهره میبرد که مجاز باشد انتخابی صورت دهد که محتوای آن پیشتر توسط قانون تعیین نشده است، اگرچه شاید مؤلفه‌هایی که در تصمیمگیری باید مدنظر قرار گیرد قابل شناسایی باشد. (Hart, 2013: 661) این دیدگاه‌ها، مبنای نظری محکمی برای درک و تبیین سازکارهای قضایی به عنوان ابزار مقامات قضایی برای تحقق عدالت در مواجهه با خلاءهای قانونی فراهم می‌آورد. منظور از «سازکار قضایی» ابزارها و تصمیماتی است که مراجع قضایی (قاضی تحقیق، بازپرس یا دادگاه) با اتکا به اختیار قانونی برای صیانت از حقوق متهم و مدیریت دادرسی اتخاذ می‌کنند. این مفهوم فراتر از صرف وجود قاعده قانونی و ناظر به تدابیر اجرایی است که در مقام عمل برای پیشگیری از افشای اطلاعات متهم اعمال می‌شود.

۲-۱- تمایز سازکارهای قضایی از مفاهیم مشابه

سازکار قضایی به رغم ارتباط با برخی مفاهیم در علم حقوق، دارای ماهیتی متمایز از آنها است؛ تفکیک بین «سازکار قضایی» با مفاهیم مشابه از جمله تفسیر قضایی و سیاست جنایی برای پرهیز از اشتباه مفهومی امری ضروری است، به همین جهت به بررسی و تمییز مفاهیم فوق از یک دیگر به شرح ذیل می‌پردازیم:

الف) تفسیر قضایی:

در مقام تفسیر قانون، قاضی مکلف است اراده مقنن را کشف و رأی خود را بر مبنای آن استوار سازد. در مواردی، این اراده از ظاهر الفاظ و عبارات قانونی قابل استنباط است که از آن به «تفسیر لفظی» یاد می‌شود؛ تفسیری که مبتنی بر اصولی همچون اصل ظهور، اصل اطلاق، قاعده تقدم خاص بر عام و جمع عرفی است و در زمره مهم‌ترین قواعد تفسیری به شمار می‌رود. در جایی دیگر، قاضی با رجوع به پیشینه قانون‌گذاری و بررسی فرایند تصویب قانون، به قصد واقعی مقنن دست می‌یابد که این شیوه در قالب «تفسیر تاریخی» مطرح می‌شود. افزون بر این، بهره‌گیری از استدلال عقلی نیز از دیگر ابزارهای فهم صحیح مفاد قانون به شمار می‌آید که در قالب «تفسیر منطقی» قابل طرح است؛ در سلسله مراتب تفسیری، هرگاه تفسیر لفظی در کشف معنای واقعی قانون‌گذار کفایت نکند، رجوع به تفسیر منطقی ضرورت می‌یابد و در صورت عدم حصول نتیجه، تفسیر تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، چنانچه حاصل این شیوه‌ها در تعارض با یکدیگر باشد و هیچ‌یک بر دیگری ترجیح نداشته باشد، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و قاعده تفسیر به نفع متهم اقتضا دارد که مفاد قانون به سود متهم تفسیر شود. (عابدی: ۱۴۰۰، ۱۵-۱۶)

در مقابل، «سازکار قضایی» واجد ماهیتی اجرایی و عینی است، نه صرف برداشت و استنباط وی از مفاد قانون و ناظر بر مجموعه اقداماتی است که قاضی در مقام اعمال و اجرای قانون اتخاذ می‌کند. به بیان دیگر، تفسیر قضایی در زمره فعالیت‌های حقوقی-فکری قرار می‌گیرد که معطوف به کشف معنای قانون است، حال آنکه سازکار قضایی به مثابه ابزار یا فرایندی عملی، در راستای تحقق و عینیت بخشی به عدالت به کار گرفته می‌شود. به عنوان نمونه، اتخاذ موضع تفسیری از سوی قاضی نسبت به یک قاعده قانونی

¹ Mark Tushnet

مانند «حریم خصوصی»، در قلمرو تفسیر قضایی قرار می‌گیرد؛ در حالی که اقداماتی نظیر صدور قرار منع انتشار اطلاعات پرونده یا تعیین زمان و مکان تحقیق توسط بازپرس، از مصادیق سازکارهای قضایی به‌شمار می‌روند که در جهت صیانت از حریم خصوصی اشخاص اعمال می‌شوند.

ب) سیاست جنایی:

اصطلاح سیاست جنایی که اغلب برگرفته از کتاب استاد آلمانی فوئر باخ در سال ۱۸۰۳ است، به مجموعه روش‌هایی که هیأت اجتماع با توسل و به‌کار بستن آن‌ها پاسخ‌های مختلف به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشد، گفته می‌شود (مارتی؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸، ۶۹). تفسیر قواعد حقوق کیفری در زمان و مکان متغیر است؛ تنوع رویه‌ها در دادگاه‌ها و در نتیجه تنوع سیاست‌های جنایی قضایی که فقط به وسیله قواعد حقوق جزایی تعیین نمی‌شوند، در مطالعات بسیاری نشان داده شده است. تکثر گفتمان تقنینی سیاست جنایی همیشه مورد پذیرش دادرها و دادگاه‌ها نیست و این گفتمان‌ها به صورت‌های متفاوتی درک، پذیرفته و اجرا می‌شوند. در این مورد می‌توان به سازکار دیوان عالی کشور برای هماهنگ کردن رویه دادگاه‌ها از طریق تفسیر قاعده حقوقی اشاره کرد^۱ (لازرژ؛ نجفی ابرندآبادی: ۱۴۰۱، ۱۵۱). بر این اساس، سیاست جنایی قضایی در معنای مضیق آن، شامل سیاست جنایی‌ای می‌شود که در تصمیم‌ها و رویه‌های دادگاه‌های دادگستری منعکس است. (همان: ۱۵۳) در مقابل، سازکار قضایی ماهیتی جزئی، اجرایی و عملیاتی دارد و ناظر بر مجموعه ابزارها و روش‌های مشخصی است که در راستای سیاست‌های کلان و مفاهیم عام حقوقی به کار گرفته می‌شوند. به‌عنوان مثال، اتخاذ رویکرد حبس‌زدایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سیاست جنایی قضایی، می‌تواند از طریق ابزارهایی همچون گسترش مجازات‌های جایگزین حبس یا تقویت نهادهایی نظیر شورای حل اختلاف تحقق یابد. از این رو، هر چند میان سیاست جنایی قضایی و سازکارهای قضایی رابطه‌ای تعاملی برقرار است، به نحوی که سازکارها در مقام ابزار اجرای سیاست‌ها عمل می‌کنند، لیکن این دو مفهوم از حیث ماهوی قابل انطباق و یکسان‌انگاری نیستند. در همین راستا، کریستین لازرژ در اثر خود با عنوان «درآمدی بر سیاست جنایی» تصریح می‌نماید که سیاست جنایی قضایی بیانگر استراتژی قضات در مقام اجرای قوانین کیفری است و لازم است از شیوه‌ها و تکنیک‌های صرفاً فنی اجرای این استراتژی‌ها تفکیک و تمایز داده شود (لازرژ، نجفی ابرندآبادی: ۱۴۰۱، ۸۷). بر این اساس، تفاوت میان سیاست جنایی قضایی و سازکارهای قضایی ضمن تمایز مفهومی، آثار عملی مهمی نیز به همراه دارد. سیاست جنایی قضایی ناظر بر جهت‌گیری‌ها، رویکردها و خط‌مشی‌های کلی قوه قضائیه در حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص در فرآیند کیفری است، در حالی که سازکارهای قضایی، ابزارها، تصمیمات و تدابیر مشخصی هستند که مقامات قضایی در مقام اعمال قانون و اداره تحقیقات مقدماتی برای تحقق آن سیاست‌ها به کار می‌گیرند. به بیان دیگر، سیاست جنایی قضایی «جهت» حمایت از محرمانگی اطلاعات متهم را ترسیم می‌کند، اما سازکارهای قضایی «چگونگی» تحقق این حمایت را در فرآیند دادرسی مشخص می‌سازد. برای مثال، حمایت از محرمانگی اطلاعات متهم به‌عنوان یکی از اهداف سیاست جنایی قضایی، زمانی در عمل محقق می‌شود که مقام قضایی با اتخاذ تدابیری نظیر محدود کردن دسترسی اشخاص غیرمرتبط به پرونده، جلوگیری از افشای اوراق و اطلاعات تحقیقات، صدور دستورات لازم برای حفظ محرمانگی یا اعمال ضمانت اجراهای قانونی در برابر افشای غیرمجاز اطلاعات، از تعرض به حریم خصوصی متهم جلوگیری کند. بنابراین، آنچه موضوع این پژوهش را از مطالعات صرفاً ناظر بر سیاست جنایی قضایی متمایز می‌سازد، تمرکز بر شناسایی و تبیین همین سازکارهای عملی و قضایی است که زمینه تحقق اهداف سیاست جنایی در حمایت از محرمانگی اطلاعات متهم را فراهم می‌آورند.

^۱ در نظام حقوقی ایران بر اساس ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در قالب رای وحدت رویه می‌توان اشاره کرد.

بر این اساس، در پژوهش حاضر، «سازکار قضایی» به مجموعه تدابیر و تصمیماتی اطلاق می‌شود که مقامات قضایی در چارچوب اختیارات مقرر در قانون، به منظور تضمین اجرای مؤثر حقوق و آزادی‌های اشخاص در فرآیند کیفری و تحقق اهداف دادرسی عادلانه به کار می‌گیرند. در موضوع این پژوهش، سازکارهای قضایی ناظر بر تدابیری است که در مرحله تحقیقات مقدماتی، با هدف جلوگیری از افشای غیرمجاز اطلاعات و صیانت از محرمانگی اطلاعات متهم اتخاذ می‌شود.

۳- محرمانگی در عمل

۳-۱- چالش‌های و موانع اجرایی

با وجود قوانین و مقررات برای حفظ محرمانگی تحقیقات مقدماتی، در عمل دسترسی به این هدف با چالش‌هایی مواجه است که مانع از تحقق کامل هدف قانونگذار می‌شود. مهم‌ترین چالش‌ها عبارتند از:

الف) چالش‌های فرهنگی و رسانه‌ای

یکی از چالش‌های اساسی در تضمین عدم افشای اطلاعات متهمان در نظام کیفری، ضعف در فرهنگ رسانه‌ای و عمومی در مواجهه با پرونده‌های در حال رسیدگی است. در بسیاری از موارد، رسانه‌ها و همچنین کاربران فضای مجازی، بدون توجه به ملاحظات حقوقی، اقدام به انتشار اطلاعات مرتبط با متهمان در مراحل اولیه تحقیقات می‌کنند. این وضعیت نه تنها می‌تواند به افشای هویت اشخاص پیش از اثبات جرم منجر شود، بلکه با شکل‌دهی به افکار عمومی، زمینه ایجاد پیش‌داوری نسبت به متهم را فراهم می‌آورد و در نتیجه، اصل بنیادین برائت و بی‌طرفی را که از ارکان اساسی حقوق کیفری است، با چالش مواجه می‌سازد. در ادبیات حقوقی تطبیقی، به‌ویژه در نظام حقوقی انگلستان، محدودیت بر انتشار اطلاعات در حوزه رسانه‌ها ماهیتی مطلق ندارد، بلکه تابع معیار مشخصی است که به میزان تأثیرگذاری آن بر روند دادرسی بستگی دارد و هرگونه انتشار اطلاعاتی که «خطر قابل توجهی برای ایجاد اختلال جدی در جریان عدالت» ایجاد کند، می‌تواند مشمول ممنوعیت قرار گیرد (Phillips, 2025, 96). افزون بر این، قواعد مربوط به توهین به دادگاه^۱ نه تنها رفتارهای مستقیم در دادگاه، بلکه انتشار مطالب توسط رسانه‌ها، وبلاگ‌نویسان یا حتی افراد عادی را نیز در بر می‌گیرد، در صورتی که این مطالب احتمال ایجاد پیش‌داوری در فرایند رسیدگی را داشته باشند (Phillips, 2025, 97). چنین رویکردی نشان می‌دهد که هدف اصلی این محدودیت‌ها، نه سرکوب آزادی بیان، بلکه حفاظت از بی‌طرفی و سلامت فرایند دادرسی است.

در نظام حقوقی ایران مقررات در حوزه مطبوعات برای جلوگیری از افشای زودهنگام اطلاعات پرونده‌های کیفری در عرصه عمومی وجود دارد که می‌توان به بند ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات (اصلاحی ۱۳۷۹) اشاره کرد که فاش کردن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه و نیز انتشار مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی را ممنوع کرده است.^۲ در عمل، انتشار زودهنگام اطلاعات، به‌ویژه در فضای دیجیتال که امکان انتشار سریع و گسترده اطلاعات را فراهم می‌کند، می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر روند رسیدگی قضایی داشته باشد. برای مثال، انتشار سوابق کیفری پیشین متهم یا القای ضمنی مجرمیت وی پیش از صدور حکم، می‌تواند ذهنیت قضات یا هیئت منصفه را تحت تأثیر قرار داده و تصمیم‌گیری بی‌طرفانه را با

^۱ Contempt of Court

^۲ بند ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴: فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.

اختلال مواجه سازد. از همین رو، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، ابزارهایی مانند محدودیت‌های انتشار، دستورات قضایی، و حتی مسئولیت کیفری برای ناقضان این قواعد پیش‌بینی شده است.

در سطح اجتماعی، مردم تمایزی میان مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، از جمله «متهم» و «مجرم»، قائل نمی‌شوند. این خلط مفهومی، به‌ویژه در بستر رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، موجب می‌شود که صرف انتساب اتهام، به‌منزله احراز مجرمیت تلقی گردد؛ امری که در تعارض آشکار با اصل برائت به‌عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه قرار دارد. در چنین وضعیتی، حتی در فرض صدور حکم برائت یا مختومه شدن پرونده، آثار اجتماعی ناشی از برچسب‌زنی اولیه به‌سادگی قابل جبران نیست و ممکن است با آسیب به اعتبار^۱ شخص، جایگاه اجتماعی و حرفه‌ای فرد به‌طور پایدار دچار خدشه گردد (خواجه علی اشتري: ۱۴۰۴، ۷۷).

ب) حوزه‌های قضایی کوچک با تراکم روابط بالا

در برخی از حوزه‌های قضایی با وسعت محدود و جمعیت کم، مانند بخش یا شهرستان‌های کوچک معمولاً رعایت محرمانگی اطلاعات متهمان با چالش‌های ویژه‌ای همراه است. در این مناطق، اکثریت افراد جامعه یکدیگر را می‌شناسند و این امر به‌ویژه در پرونده‌هایی که ماهیت عمومی دارد، احتمال افشای اطلاعات شخصی و هویتی متهمان را افزایش می‌دهد. از این‌رو رعایت کامل اصول محرمانگی که در قوانین آیین دادرسی کیفری و مقررات حمایت از حریم خصوصی متهمان، نیازمند تلاش‌های مضاعف و اتخاذ تدابیر ویژه‌ای است (همان، ۳۵).

علاوه بر این، فقدان زیرساخت‌های الکترونیکی و سامانه‌های ابلاغ قضایی (ثنا) در برخی از این مناطق موجب می‌شود که ابلاغ‌ها به‌صورت فیزیکی انجام شود. ابلاغ فیزیکی مستلزم حضور مأمور نیروی انتظامی و در نتیجه افراد بیشتری در جریان محتوای پرونده و اتهامات متهم قرار می‌گیرند. این وضعیت به‌طور غیر مستقیم می‌تواند منجر به نشر غیر قانونی یا سهوی اطلاعات هویتی شود و حریم خصوصی اطلاعات متهمان را به‌خطر بیندازد (همان، ۷۵). ترکیب مسائل پیش گفته شده ریسک افشای اطلاعات پرونده‌های قضایی را افزایش می‌دهد در نتیجه اتخاذ سازکارهای قضایی به‌منظور تضمین محرمانگی اطلاعات مخصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی امری ضروری است.

ج) عدم وجود دستورالعمل جامع و اهتمام برخی مقامات و ضابطان قضایی در جلوگیری از افشای اطلاعات:

در نظام حقوقی ایران اگرچه اصولی چون غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی و ممنوعیت افشای اسرار در قانون آیین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار گرفته، لیکن مقررات راجع به این موضوع کلی و فاقد ضمانت اجرای کافی و موثر است. در عمل در قوانین کیفری ایران تنها یک ماده به جرم‌انگاری افشای اسرار حرفه‌ای پرداخته است. جرم پیش‌بینی شده صرفاً شامل اسرار حرفه‌ای و قابل گذشت بوده و از بازدارندگی لازم برخوردار نیست؛ همچنین این ماده اشخاص بسیاری را که خارج از فضای شغلی به انتشار اطلاعات اقدام می‌کنند شامل نمی‌شود و از این بابت طیف وسیعی از افراد از شمول ضمانت اجرایی کیفری خارج می‌شوند (همان، ۷۴). این وضعیت سبب شده که نقض محرمانگی به‌عنوان یک تخلف کم‌اهمیت تلقی شود و دادرسان در عمل ابزار کافی برای برخورد با ناقضان این اصل بنیادین نداشته باشند. به‌علاوه در عمل اثبات اینکه چه شخصی برای اولین بار اطلاعات را فاش کرده نیز بسیار دشوار است (همان، ۴۸). هم‌چنین مشاهده می‌شود که برخی از مقامات قضایی و مأموران نیروی انتظامی بر محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات متهمان ندارند و این مسئله را امری غیر ضروری می‌دانند (همان، ۵۹ و ۷۱). هرچند که این مسئله مورد تأکید بسیار قوانین و مقررات می‌باشد اما ضعف در نظارت بر عملکرد قضات و ضابطان نیز می‌تواند افشای اطلاعات یا سهل‌انگاری در این

¹ reputational harm

موضوع را تشدید کند. در مقام مقایسه، در حقوق فرانسه، اصل محرمانگی تحقیقات مقدماتی به صراحت در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مورد شناسایی قرار گرفته و جریان تحقیقات، جز در موارد استثنایی مقرر در قانون و با رعایت حقوق دفاع، محرمانه تلقی شده است.^۱

۳-۲- سازکارهای قضایی تضمین عدم افشای اطلاعات متهمان

سولو^۲ درباره نقض حریم خصوصی اطلاعات اشاره می‌کند که فقط «افشا» نقض این بخش از حریم خصوصی نیست، بلکه هر نوع پردازش اطلاعات، مانند جمع‌آوری اطلاعات شناسایی فرد، استفاده مجدد از اطلاعات یا حذف فرد از کنترل اطلاعاتش می‌تواند به منزله تهدید محسوب شود (Solove, 2006, p. 505). از آن‌جا که سازکارهای قضایی در عرصه عمل در حال روح بخشیدن به نوشته‌های قانون هستند باید تمامی مواردی را که به نوعی نقض حریم خصوصی است شامل شوند؛ از همین رو به برخی از این موارد که در مصاحبه با مقامات قضایی دخیل در امر تحقیق به دست آمده اشاره خواهیم کرد.

الف) عدم دسترسی به پرونده و محدود کردن حضور و اطلاع اشخاص غیر مرتبط

از جمله ابتدایی‌ترین راهکارهای تضمین عدم افشای اطلاعات متهم در تحقیقات مقدماتی، غیرعلنی بودن جلسات تحقیق و محدودیت دسترسی به پرونده است. برخلاف محاکمه علنی در دادگاه (اصل ۱۶۵ قانون اساسی ایران^۳)، تحقیقات مقدماتی ماهیتاً غیرعلنی و سری است؛ به این معنا که جز اشخاص اصلی پرونده (مقام قضایی، متهم، شاکی، وکلای آنان و در صورت لزوم کارشناس و شهود مربوطه) سایر اشخاص حق حضور در جلسات تحقیق را ندارند.^۴ همچنین به ایجاد محدودیت دسترسی به اوراق و اسناد پرونده از طریق صدور قرار عدم دسترسی به پرونده نسبت به متهم و قرار رد درخواست مطالعه پرونده یا دسترسی نسبت به شاکی، می‌توان اشاره داشت.^۵ مقام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند دستورهایی به مدیر دفتر و منشی جهت احراز هویت اشخاصی که درخواست دسترسی به پرونده را دارند بدهد و از اعضای دفتر بخواهند نام تمام کسانی را که به پرونده دسترسی دارند بنویسند (خواجه علی اشتری؛ ۱۴۰۴، ۷۱).

ب) تعیین زمان و مکان تحقیقات و تفهیم اتهام

در برخی از مناطق کشور، به دلیل تراکم جمعیت پایین و میزان بالای شناخت و ارتباط میان افراد جامعه و همچنین در برخی از پرونده‌هایی که شخص متهم چهره برجسته‌ای دارد، چنانچه شخص جهت انجام تحقیقات به دادسرا دعوت شود اطلاعات آن به سرعت فاش می‌شود و می‌تواند بر تصمیمات مقام قضایی تأثیر بگذارد و به ایجاد جوسازی یا قضاوت در افکار عمومی منجر شود. با توجه به این مخاطرات، مقام قضایی می‌تواند با تعیین زمان و مکان مناسب برای انجام تحقیقات، ضمن رعایت حقوق متهم از افشای

^۱ ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد: «جز در مواردی که قانون ترتیب دیگری مقرر کرده باشد و بدون خدشه به حقوق دفاعی، جریان تحقیقات مقدماتی و تحقیقات قضایی محرمانه است. تمامی اشخاصی که در این فرایند مشارکت دارند، مکلف به رعایت محرمانگی حرفه‌ای هستند و در صورت نقض آن، طبق شرایط و مجازات‌های مندرج در قانون جزا مسئول خواهد بود»

^۲ solove

^۳ اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافای عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

^۴ ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری: تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.

^۵ ماده ۱۰۰ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به این مهم اشاره دارد.

اطلاعات جلوگیری نماید و از ایجاد فشارهای اجتماعی یا رسانه‌ای پیشگیری کند. به همین منظور، برخی از مقامات قضایی مکان انجام تحقیقات را در محل سکونت متهم یا زمان انجام آن‌را به خارج از ساعات رسمی اداری موکول می‌کنند (همان، ۷۰-۷۱). چنین اقداماتی با هدف حفظ اصل محرمانگی و کاهش دسترسی عمومی و رسانه‌ای به اطلاعات پرونده، تضمین استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی اتخاذ می‌شود که می‌تواند منتهی به تحقق هدف قانونگذار یعنی محرمانه بودن اطلاعات و دادرسی عادلانه منجر شود.

ج) اعمال ضمانت اجرای کیفری و انتظامی

دستورالعمل نحوه اعمال نظارت مقامات قضایی بر ضابطان دادگستری مصوب ۱۴۰۲/۳/۱۶ صراحتاً افشای اطلاعات پرونده-های قضایی توسط ضابطان را ممنوع اعلام کرده است. طبق بند الف و ب ماده ۱۴ این دستورالعمل، ضابطان باید از افشای هرگونه اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود، مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده خودداری کنند؛ مگر در مواردی که قانون معین کرده است^۱. این حکم، در واقع ناظر بر کنترل جریان اطلاعات در مرحله تحقیقات مقدماتی و جلوگیری از انتشار داده‌هایی است که می‌تواند به حقوق اشخاص دخیل در پرونده لطمه وارد کند. برای مقابله با این موارد در دستورالعمل ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است، اما می‌توان گفت ناقض محرمانگی به مجازات جرم افشای اسرار با تمام ایرادات پیش گفته شده محکوم می‌شوند.

د) تعیین ضوابط برای جلب متهم

یکی دیگر از سازکارهایی که توسط مقامات قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی برای جلب متهم اتخاذ می‌شود تعیین ضوابطی برای مأموران و اعضای دفتر دادسرا است (همان، ۷۰). این تدابیر معمولاً با هدف کنترل جریان اطلاعات در محیط‌های اداری و عملیاتی اتخاذ می‌گردد که از افشای نام و مشخصات متهم جلوگیری کند. تعیین شیوه انتقال متهم به دادسرا اعم از آنکه بدون دست‌بند یا پابند باشد یا آن‌که در زمان انتقال متهم، دفتر خالی بوده و شخص دیگری از انتقال متهم با خبر نشود، از جمله این ضوابط می‌باشد (همان، ۷۱-۷۲).

نتیجه‌گیری

تحلیل سازکارهای قضایی در زمینه عدم افشای اطلاعات متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران دارای ظرفیت‌های قانونی قابل توجهی در این زمینه می‌باشد. قانونگذار ایرانی، با استناد به اصول بنیادین حقوق بشر و قواعد حقوق داخلی، مقررات مختلفی را برای جلوگیری از افشای اطلاعات متهمان در نظر گرفته است. این مقررات، از جمله مواد ۹۱، ۱۰۰، ۱۹۱، ۱۹۲ و ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، بند ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات و ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، به‌طور صریح به محرمانگی تحقیقات و ممنوعیت افشای اطلاعات متهم اشاره دارند. اما در عمل چالش‌های متعدد اجرایی و نظارتی وجود دارد که مانع از اجرای مؤثر این قوانین می‌شود.

بسیاری از قوانین به‌طور کامل در عمل اجرا نمی‌شوند؛ زیرا نظارت بر آن‌ها به‌طور مستمر ممکن نیست. در برخی از موارد، رسانه‌ها یا حتی مقامات قضایی، برخلاف قوانین موجود، اطلاعات متهمان را منتشر می‌کنند و در عمل موجب نقض اصل برائت و آسیب به

^۱ ماده ۱۴ - ضابطان علاوه بر انجام تکالیف مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری و سایر مقررات قانونی، موظف به رعایت موارد زیر می‌باشند:

الف - خودداری از انجام هر گونه مصاحبه و اطلاع رسانی در خصوص پرونده های قضایی و اتهامات متهمان و نحوه دستگیری آنان قبل از هماهنگی با مقامات قضایی ذیربط؛

ب - خودداری از افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده، جزء در مواردی که قانون معین می کند؛

حیثیت متهمان می‌شوند. علاوه بر آن، ضعف در آموزش مقامات قضایی و ضابطان موجب شده است که بسیاری از مقامات قضایی نسبت به اهمیت محرمانگی اطلاعات و الزامات قانونی در این زمینه، آگاهی کافی نداشته باشند (همان، ۸۱). این مشکلات، در کنار مسائل مربوط به فرهنگ رسانه‌ای و کمبود دستورالعمل‌های اجرایی دقیق و یکسان، باعث شده بسیاری از قوانین نتوانند به‌طور مؤثر و کامل در محافظت از حقوق متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی عمل کنند.

در زمینه آثار اجتماعی افشای اطلاعات متهمان، زمانی که اطلاعات متهم در رسانه‌ها منتشر می‌شود، پیش‌دآوری و قضاوت‌های نادرست در مورد آن‌ها شکل می‌گیرد که ممکن است حتی بعد از صدور حکم نهایی نیز باقی بماند. این امر نه تنها موجب آسیب به حیثیت اجتماعی متهم می‌شود، بلکه در مواردی می‌تواند موجب تأثیر منفی بر روند دادرسی و تصمیم‌گیری قضایی شود. در این راستا، لازم است که تمامی نهادها و مقامات قضایی به اهمیت حفظ این محرمانگی‌ها پی ببرند و به‌طور جدی در راستای اجرای دقیق قوانین و سازکارهای موجود در این زمینه عمل کنند.

تجربه کشورهای پیشرفته در این حوزه نشان داده است که برای تحقق کامل محرمانگی تحقیقات و حفاظت از حقوق متهمان، باید مجموعه‌ای از تدابیر قانونی و اجرایی هم‌راستا و منسجم اعمال شود. این تدابیر باید شامل صدور دستورالعمل‌های قضایی منع انتشار اطلاعات، استفاده از نام مستعار در پرونده‌ها، و ایجاد سیستم‌های نظارتی مؤثر باشد که از هرگونه نقض محرمانگی جلوگیری کند. همچنین، همکاری گسترده‌تر با رسانه‌ها و آموزش مستمر مقامات قضایی می‌تواند در جلوگیری از افشای اطلاعات به‌طور مؤثر و گسترده‌ای تأثیرگذار باشد. در نهایت، با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد که ایران به‌طور نسبی ظرفیت‌های نسبتاً کافی در زمینه قوانین مربوط به رعایت محرمانگی اطلاعات متهمان دارد، اما این ظرفیت‌ها در عمل و در پیوند با سازکارهای اجرایی و نظارتی ضعیف، به‌طور کامل در جهت محافظت از حقوق متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی بهره‌برداری نمی‌شود. لذا، نیاز به سازکارهای قضایی در زمینه اجرا و نظارت بر آن و همچنین نهادینه‌سازی دقیق‌تر قوانین برای دست‌اندرکاران این حوزه به منظور تضمین اصل برائت و رعایت حقوق متهمان احساس می‌شود.

پیشنهادهای

برای ارتقای کارآمدی سازکارهای قضایی در زمینه حفظ محرمانگی اطلاعات متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی و کاهش مشکلات اجرایی و نظارتی، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. رسمیت‌دادن به قرارهای منع انتشار

برای اطمینان از اینکه اطلاعات متهمان در مراحل ابتدایی دادرسی منتشر نشود، لازم است که قرارهای منع انتشار به‌طور رسمی در دستورالعمل‌های صادره از سور مقامات عالی قضایی کشور مورد توجه قرار گیرند. این قرارها باید در پرونده‌ها با صلاحدید مقام قضایی مورد استفاده قرار گیرد و مقامات قضایی موظف به صدور آن‌ها در مواقع ضروری باشند. همچنین باید سازکارهای نظارتی مؤثری بر اجرای این قرارها وجود داشته باشد تا از هرگونه نقض محرمانگی جلوگیری شود.

۲. تقویت نظارت و ایجاد سیستم‌های نظارتی مستقل

به‌منظور جلوگیری از افشای اطلاعات متهمان و رعایت محرمانگی در تحقیقات مقدماتی، باید سیستم‌های نظارتی مؤثر و مستقل برای بررسی عملکرد قضات و ضابطان دادگستری ایجاد شود. این نظارت‌ها باید به‌طور دوره‌ای و با ارزیابی‌های دقیق انجام شوند تا مشخص گردد که آیا قوانین به‌درستی اجرا می‌شوند یا خیر. نظارت دقیق بر رسانه‌ها نیز ضروری است تا از انتشار اطلاعات حساس جلوگیری گردد. همچنین با توجه به گسترش فناوری‌های نوین، ضروری است که سیستم‌های اطلاعاتی و مدیریت پرونده‌ها

به گونه ای طراحی شوند که دسترسی غیرمجاز به اطلاعات پرونده ها را محدود کنند. استفاده از سیستم های رمزنگاری و ابزارهای دیجیتال می تواند در این زمینه کمک کننده باشد و امنیت اطلاعات متهمان را در سیستم های قضایی افزایش دهد. به کارگیری سامانه های الکترونیکی به منظور ثبت و ردیابی دسترسی اشخاص به اسناد و اطلاعات پرونده، از جمله الزامات اساسی در تضمین محرمانگی داده های قضایی محسوب می شود. همان گونه که در بخش های پیشین این پژوهش مورد اشاره قرار گرفت، در وضعیت کنونی، امکان شناسایی دقیق این امر که چه شخصی و در چه زمانی به پرونده دسترسی داشته یا چه فردی در افشای اطلاعات نقش داشته است، با چالش های جدی مواجه است. این خلأ، زمینه ساز تضعیف نظارت و افزایش احتمال نقض محرمانگی اطلاعات می گردد. از سوی دیگر، در برخی از مناطق کشور، زیرساخت های لازم برای استقرار و بهره برداری مؤثر از سامانه های الکترونیکی هنوز به طور کامل فراهم نشده است که این امر خود مانعی در مسیر تحقق شفافیت و پاسخ گویی در فرآیند دسترسی به اطلاعات پرونده ها به شمار می آید. بر این اساس، توسعه و تکمیل زیرساخت های فنی و حقوقی مرتبط با این سامانه ها و تسریع در استقرار آن ها، به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر، باید در دستور کار مراجع ذی صلاح قرار گیرد.

۳. آموزش مستمر مقامات قضایی، ضابطان و رسانه ها

همانطور که پیشتر گفته شد برخی مقامات قضایی و ضابطان نه تنها به اصل محرمانگی پایبند نیستند بلکه آن را امری غیر ضروری میدانند و خود گاهی زمینه ساز درز اطلاعات می شوند. برای بهبود این امر و ارتقاء آگاهی و درک مقامات قضایی از اهمیت حفظ محرمانگی اطلاعات و دستورالعمل های مربوطه، آموزش های مستمر در این زمینه باید در دستور کار قرار گیرد. این آموزش ها باید بر اساس قوانین و مقررات موجود و همچنین با توجه به تجربیات بین المللی و رویه های قضایی در زمینه رعایت محرمانگی اطلاعات صورت گیرد. رسانه ها نیز به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند اطلاع رسانی باید آموزش ببینند که اطلاعات متهمان تحت چه شرایطی و با چه ضوابطی منتشر شود.

۴. تدوین دستورالعمل های شفاف

به نظر می رسد قوه قضائیه می تواند با تدوین دستورالعملی تخصصی، سازکارهای عملی صیانت از محرمانگی اطلاعات متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی را روشن کند. این دستورالعمل می تواند مشتمل بر محورهایی نظیر تعیین سطوح دسترسی مدیران دفاتر و کارکنان اداری به پرونده، الزام به ثبت و پایش دسترسی های الکترونیکی، تعیین ضوابط محرمانگی برای ضابطان دادگستری در جمع آوری، نگهداری و انتقال اطلاعات، تبیین مسئولیت دادستان در مدیریت اطلاع رسانی پرونده های حساس و نیز پیش بینی تدابیر فنی توسط سامانه های الکترونیکی قوه قضائیه برای جلوگیری از دسترسی یا انتشار غیرمجاز اطلاعات باشد.

این پیشنهادها می توانند به اجرای مؤثرتر سازکارهای قضایی در ایران کمک کنند و مسیرهایی برای بهبود وضعیت موجود در زمینه حفظ حقوق متهمان فراهم آورند. امیدواریم که با انجام این پیشنهاد و همکاری بیشتر بین نهادها و رسانه ها، حقوق متهمان به طور جدی تری در مرحله تحقیقات مقدماتی مورد حفاظت قرار گیرد.

اگرچه پژوهش حاضر بر تبیین مفهوم و مصادیق سازکارهای قضایی متمرکز است، بررسی کارآمدی این سازکارها در پرونده هایی که رسانه ای شده نیز حائز اهمیت می باشد؛ زیرا تعارض میان محرمانگی تحقیقات مقدماتی و حق آگاهی عمومی در آنها مورد بررسی قرار می گیرد و می تواند موضوع پژوهش های مستقل آینده باشد.

فهرست منابع:

منابع فارسی

- آخوندی، محمود، شناسای آیین دادرسی کیفری، چاپ چهاردهم، انتشارات دوران‌دیشان، تهران، ۱۳۹۴، هفت مجله، دفتر دوم، ص ۷۲.
- آقابابایی، حسین؛ (۱۳۹۶)؛ *حریم خصوصی در حقوق کیفری/اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سمائی، مهدی، حبیب‌زاده، محمد جعفر و نوبهار، رحیم. (۱۴۰۱). *قاضی فضیلت‌مند؛ سهم فضیلت‌گرایی در نظریه قضاوت*. مجله حقوقی دادگستری، ۸۶(۱۱۸)، ۴۹-۷۴.
- جناب‌زاده، مسعود، ملاکه، ابراهیم (۱۳۹۵). *مطالعه تطبیقی اصل برائت از منظر اسلام و حقوق بین الملل در تحقیقات مقدماتی*. مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی. شماره ۱۰-۱۹-۳۳.
- حبیب‌زاده، محمد جعفر و تیربندی، احسان. (۱۴۰۴). *سنجه کارآمدی حاکمیت قانون در نظام حقوقی ایران*. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۳)، ۱۷۱-۱۹۶-۱۱۴۲. doi: 10.22034/jclc.2025.2049834.
- حبیب‌زاده، محمد جعفر (۱۳۷۷)؛ *رژیم قانونی بودن حقوق کیفری عامل موثر در رشد و توسعه*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۲۳.
- خالقی، علی؛ (۱۴۰۰)؛ *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چ ۱۷، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خواجه علی اشتری، حسین؛ (۱۴۰۴)؛ *سازکارهای قضایی تضمین عدم افشای اطلاعات متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی*، دانشگاه تربیت مدرس، تابستان.
- جناب‌زاده، مسعود؛ ملاکه، ابراهیم؛ (۱۳۹۵)؛ *مطالعه تطبیقی اصل برائت از منظر اسلام و حقوق بین الملل در تحقیقات مقدماتی*. مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی. شماره ۱۰-۱۹-۳۳.
- عابدی، احمد رضا؛ (۱۴۰۰)؛ *نگرشی کاربردی به حقوق جزای عمومی*، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ دوم، بهمن.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، «سهم عدالت در قضاوت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲.
- لازرژ، کریستین (۱۴۰۱)؛ *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان، چاپ دهم.
- مارتی، می‌ری دلماس (۱۳۹۸)؛ *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- مؤذن‌زادگاه، حسنعلی. (۱۴۰۳). *نفی آزادی عمل دادستان در نقض اصل برائت برای تعقیب جرایم امنیتی*، مجله تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۲.

منابع غیر فارسی

- *Bédat v. Switzerland; no. 56925/08, European Court of Human Rights (Grand Chamber)*, Judgment of 29 March 2016.
- Solove, D. J. (2008). *Understanding privacy*. Harvard University Press.
- Solove, D. J. (2006). *A taxonomy of privacy*. University of Pennsylvania Law Review, 154(3), 477–564.
- Hart, H. L. A (2013). *Discretion*, Harvard Law Review, vol. 127:661.
- *International Covenant on Civil and Political Rights* (ICCPR), 1966, Art. 14(2), Art. 17.
- Jackson, J., & Summers, S; (2012). *The Internationalisation of Criminal Evidence: Beyond the Common Law and Civil Law Traditions*. Cambridge University Press.
- Phillips, G. (2025). *Free speech v the right to a fair trial. Index on Censorship*, 54(1), 96–98. <https://doi.org/10.1177/03064220251332649>
- Jahn, M., & Schneider, M. (2015). *Privacy and Data Protection in the Digital Age*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Tushnet, M. (1991). *Two notes on the jurisprudence of privacy*. Constitutional Commentary, 8, 75–85.
- United Nations. (1966). *International Covenant on Civil and Political Rights*, United Nations General Assembly.

Feasibility of the Application of Judicial Mechanisms at the Preliminary Investigation Stage to Ensure the Non-Disclosure of Suspects' Information

Abstract:

In the criminal justice system, ensuring the confidentiality of suspects' information at the preliminary investigation stage, as one of the requirements of a fair trial, holds a fundamental position in line with the guarantee of the presumption of innocence and the protection of the right to privacy. However, in practice, the Iranian judiciary has in some cases not been able to effectively prevent the unauthorized disclosure of information, and this has created serious challenges for the rights of suspects and the credibility of the judiciary. This research, with the aim of presenting a concept entitled "judicial mechanism" and distinguishing it from concepts such as judicial criminal policy and judicial interpretation, seeks to identify and explain the mechanisms effective in ensuring the confidentiality of suspects' information. The research method is descriptive-analytical, and its data have been collected through in-depth interviews with judicial officials and analysis of legal sources. The findings of the research show that factors such as legal gaps, media pressure, and the rapid dissemination of information in small judicial areas with a high density of interpersonal relationships within that jurisdiction provide the context for the unauthorized disclosure of information. In response to these challenges, judges employ measures such as restricting access to case files, changing the time and place of conducting investigations, issuing specific orders to law enforcement agents regarding the manner of transferring and recording suspect information, and strict control of the circulation of case files; however, these mechanisms lack a unified procedure and their application depends on the circumstances and the discretion of judges. Ultimately, the results of the research show that strengthening legal frameworks alongside the implementation of coherent judicial mechanisms accompanied by effective supervision plays a decisive role in ensuring the confidentiality of suspects' information.

Keywords: *Judicial mechanisms, confidentiality of investigations, non-disclosure of information, fair trial*